

شهدای کربلا

<"xml encoding="UTF-8?">



شهدای کربلا

پیشگفتار

با فرارسیدن ماه محرم ، جا دارد از فداکاری های سیدالشهدا (علیه السلام) و قربانی هایی که در راه نهضت او بویژه در عاشورای محرم 61 هجری پیش آمد بهره برداری بشود تا چراغی فرا راه بشریت بالعموم و ملت مسلمان ایران بالخصوص باشد، و به ما بیاموزد تا از دین خود محافظت نموده و در برابر جریانها و افکار انحرافی ایستادگی کرده و ثابت قدم باشیم آنچنان که حسین بن علی (علیه السلام) و اصحاب برگزیده اش بخاطر دین و مقدساتشان در مقابل ارتش سهمگین یزید بن معاویه ثابت قدم ایستادند.

قبل از مطالعه اشاره به نکات زیر ضروری است .

1. گرچه بعضی عدد شهدای کربلا را منحصر در 72 تن می دانند (البته این عدد، افراد شاخص و نام آور را تشکیل می دهند) اما محققان بیش از این عدد را ذکر نکرده اند.

2. عدد 115 تن از تحقیق مرحوم سماوی (ره) در کتاب معروف ابصار العین فی انصار الحسین (ترجمه عقیقی بخشایشی) استفاده گردیده است .

3. بعضی دیگر از منابع و ماخذ استفاده شده :

الف - وقعه الطف لابی مخنف

(تحقیق : از محمد هادی یوسفی)

ب - قصه کربلا (تحقیق از: علی نظری منفرد)

ج - فرهنگنامه عاشورا (تحقیق از جواد محدثی)

د - چهره حقیقی قیام حسینی ...

(تحقیق از عبدالکریم قزوینی)

1- حسین بن علی (علیه السلام)

پدرش : امیرالمومنین علی (علیه السلام) و مادرش : فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و کنیه او: ابو عبدالله .
رسول خدا (صلی الله علیه وآله) درباره وی می فرماید:

«حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» (حسین از من است و من از حسین)

از صفات برجسته آن حضرت : علم ، بخشش ، بزرگواری ، فصاحت ، شجاعت ، تواضع ، حلم و...
با مرگ معاویه در سال 60، سیدالشهدا که فساد و بی لیاقتی یزید را می دانست از بیعت با او امتناع کرد.
حسین (علیه السلام) برای نجات اسلام از سلطه یزید که به محو دین می انجامید، راه جهاد و شهادت را پیش گرفت .

آن حضرت از مدینه به مکه هجرت کرده و پس از رسیدن نامه های کوفیان به دعوت از امام ، به سوی عراق حرکت می کند.

پیمان شکنی کوفیان و شهادت نماینده حضرت (مسلم بن عقیل) باعث می گردد که سپاه حضرت در کربلا به محاصره سپاه کوفه در آید.

حسین (علیه السلام) در روز عاشورا پس از به شهادت رسیدن یارانش و جوانان بنی هاشم ، یکه و تنها به دشمن حمله ور گردید تا به شهادت رسید.

سن 57 سال

2- عباس بن علی (علیه السلام)

پدرش : امیرالمومنین (علیه السلام) و مادرش : فاطمه ام البنین ، کنیه او: ابوالفضل
قامتی رشید و شجاعتی کم نظیر و بینش اعتقادی و علمی و فقهی روشنی داشت .
به خاطر سیمای جذابش او را «قمر بنی هاشم» می خواندند.

امان نامه ای را که شمر برای او از عمر بن سعد گرفته بود، رد کرد.

علمدار (پرچمدار) کربلا و مظهر ایثار و فداکاری بود.

به خاطر آوردن آب به خیمه ها سقا لقب یافت .

امام سجاد فرمود : تا اینکه دو دست عباس قطع شد، خداوند به او همانند جعفر طیار دو بال عطا فرمود که در بهشت با فرشتگان پرواز کند.

سن : 34 سال

محل دفن : کنار نهر علقمه

3- علی بن الحسین (علیه السلام)

پدرش: امام حسین (علیه السلام) ، و مادرش: لیلی دختر ابی مره می باشد
کنیه او: ابوالحسن و به علی اکبر معروف است .
در گفتار، اخلاق و اندام ظاهری ، شبیه ترین مردم به رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بود.
نخستین شهید از بنی هاشم در روز عاشورا بود که جسد مبارکش مورد کینه دشمن قرار گرفته و قطعه قطعه گردید.
نزدیک ترین شهیدی است که در کنار امام حسین (علیه السلام) دفن شده است
سن او را از 18 تا 27 سال ، مختلف نقل کرده اند.

4- مسلم بن عقیل (علیه السلام)

پدرش: عقیل (برادر علی (علیه السلام) و مادرش علیه می باشد. پسر عموی امام حسین (علیه السلام) و نماینده او به کوفه برای بررسی اوضاع و بیعت گرفتن از مردم بود.
در ابتدای ورود به شهر کوفه ، حدود 18000 تن با او بیعت کردند.
با ورود عبیدالله بن زیاد به کوفه و تهدید نمودن بزرگان و اشراف ، مردم از گرداگرد مسلم متفرق شدند.
مسلم چنان یکه و تنها گشت که یک نفر را هم در کنار خویش نیافت .
شب میهمان طوعه بود. ولی فردایش که منزل را در محاصره ماموران یافت ، خارج گردید و پس از ساعتی جنگ دلاورانه ، دستگیر و او را به دارالاماره آوردند.
مسلم بن عقیل را در روز 9 ذی الحجه به شهادت رسانده و بدن مطهر او را از بالای دارالاماره به زیر افکندند.
محل دفن مسلم در کنار مسجد کوفه است .
سن او 34 سال .

5- عبدالله بن الحسین (علیه السلام)

پدرش: امام حسین (علیه السلام)، مادرش: رباب دختر امرءالقیس می باشد.
او که به (علی اصغر) مشهور است ، کودکی شیر خوار بیش نبود.
وی در حالیکه در بغل پدر بود، تیری به گلویش اصابت کرد و به شهادت رسید.
امام حسین (علیه السلام) دستش را از خون او پر کرده و بطرف آسمان پاشید و قطره ای از خون به زمین

بازنگشت .

حضرت با غلاف شمشیر نزدیک خیمه گودال کوچکی حفر کرد و او را به خاک سپرد.

6- عبدالله بن علی (علیه السلام)

پدرش: علی (علیه السلام) و مادرش: فاطمه ام البنین می باشد .
به توصیه و تشویق برادرش حضرت عباس به میدان کارزار شتافت .
اولین فرزند ام البنین است که در روز عاشورا به شهادت رسید .
سن او 25 سال بود .

7- عثمان بن علی (علیه السلام)

پدرش: امیرالمومنین (علیه السلام) و مادرش «فاطمه ام البنین می باشد.
بخاطر علاقه شدیدی که علی (علیه السلام) به عثمان ابن مظعون (یکی از اصحاب رسول خدا) داشت نام
فرزندش را عثمان گذاشت .
او به سفارش حضرت عباس ، پس از شهادت برادرش عبدالله به میدان کارزار شتافت .
دومین فرزند ام البنین است که در روز عاشورا به شهادت رسید.
سن او 23 سال بود.

8- جعفر بن علی (علیه السلام)

پدرش: علی (علیه السلام) و مادرش: فاطمه ام البنین می باشد.
علی (علیه السلام) به واسطه علاقه و محبتی که به برادرش (جعفر طیار) داشت ، نام فرزندش را (جعفر) نهاد.
امام حسین (علیه السلام) به وی فرمود: به کارزار بشتاب تا تو را مانند دو برادرم (عبدالله و عثمان) شهید ببینم .
سومین فرزند ام البنین است که در روز عاشورا به شهادت رسید.
سن او 21 سال بود.

9- ابوبکر بن علی (علیه السلام)

پدرش: علی (علیه السلام) و مادرش: لیلی دختر مسعود بن خالد می باشد.
او را محمد اصغر و یا عبدالله می خواندند.
او در روز عاشورا پس از کارزار با دشمن ، به محاصره آنها در آمده و به شهادت رسید.
نوشته اند: جسد بی جان او را در آبراه خشکی در کربلا یافتند

10- قاسم بن الحسن (علیه السلام)

پدرش: امام حسن مجتبی (علیه السلام) و مادرش: (رمله) می باشد.
صورتش چون پاره ماه می درخشید.
بدلیل کمی سن قاسم ، امام حسین (علیه السلام) ابتدا اجازه میدان رفتن را به او نداد، ولی قاسم پیوسته تقاضای خود را تکرار کرد تا اجازه گرفت .
پس از کارزار با دشمن ، بر اثر ضربت شمشیر نقش بر زمین گشت و عمویش حسین (علیه السلام) را صدا زد.
حضرت خود را بر بالین قاسم رساند و فرمود: چقدر بر عموی سخت است که او را بخوانی و از دست او کاری بر نیاید.
سن او 13 سال بود.

11- ابوبکر بن الحسن (علیه السلام)

پدرش: امام حسن مجتبی (علیه السلام) و مادرش: کنیز آن حضرت بود.
او از مدینه همراه امام حسین (علیه السلام) به کربلا آمد.
او در روز عاشورا پس از شهادت برادرش قاسم ، به میدان کارزار رفته و جنگید تا به شهادت رسید.

12- عبدالله بن الحسن (علیه السلام)

پدرش: امام حسن مجتبی (علیه السلام) و مادرش: دختر شلیل بن عبدالله می باشد.
در کربلا نوجوانی بود که به سن بلوغ نرسیده بود.
چون عمویش حسین (علیه السلام) را زخمی و بی یاور دید، خود را به آن حضرت رسانید و گفت : به خدا سوگند از عمویم جدا نمی شوم .
ناگهان شمشیری به طرف حسین (علیه السلام) روانه شد، عبدالله دستش را سپر کرد.
شمشیر دست او را قطع کرده و به پوست آویزان نمود.
گفته شده در حالیکه حضرت او را در آغوش گرفته بود، حمله با تیری او را به شهادت رساند.
سن او 11 سال بود.

13- عون بن عبدالله (علیه السلام)

پدرش: عبدالله (فرزند جعفر طیار) و مادرش: حضرت زینب (س) دختر علی (علیه السلام) می باشد.
عون در اوائل راه مکه به کربلا، در وادی عقیق به امام حسین (علیه السلام) پیوست .
او در روز عاشورا به میدان نبرد تاخت و شمشیر زد تا به درجه شهادت رسید.
می نویسند: تا خبر شهادت او به پدرش عبدالله رسید، گفت : به خدا قسم ، شهادت پسر من در رکاب حسین (علیه السلام) مصیبت مرا آسان می کند...

14- محمد بن عبدالله (علیه السلام)

پدرش: عبدالله (فرزند جعفر طیار) و مادرش: خوصاء می باشد.
او همراه با برادرش عون در راه مکه به کربلا در وادی عقیق به امام حسین (علیه السلام) پیوست .
او در روز عاشورا قبل از برادرش عون به میدان رفت و به شهادت رسید.
نوشته اند: تا خبر شهادت او به پدرش عبدالله رسید گفت : اگرچه من توفیق یاری حسین را نیافتم ، ولی با تقدیم پسرانم او را یاری کردم .

15- عبدالله بن مسلم (علیه السلام)

پدرش: مسلم بن عقیل و مادرش: رقیه دختر حضرت علی (علیه السلام) می باشد.
وی (در میدان جنگ) در سه مرحله با دشمن کارزار نمود.
دشمن به سوی او تیری رها کرد و عبدالله دستش را روی صورت گذاشت تا از اصابت تیر جلوگیری کند. تیر دستش را به پیشانی دوخت. تیری دیگر، قلب او را نشانه رفت و اینگونه در روز عاشورا به شهادت رسید.
سن: 14 سال.

16- محمد بن مسلم (علیه السلام)

پدرش: مسلم بن عقیل و مادرش: از کنیزان بود.
امام حسین (علیه السلام) فریاد زد: ای عموزاده ها برای نیل به شهادت شکیبا و صبور باشید.
او در روز عاشورا پس از شهادت برادرش عبدالله در حمله دسته جمعی فرزندان ابیطالب به دشمن شرکت کرده ، سپس به شهادت رسید.
سن: 13 سال.

17- محمد بن ابی سعید (علیه السلام)

پدرش: ابوسعید (فرزند عقیل) و مادرش: از کنیزان بود.
وی در روز عاشورا وقتی امام حسین (علیه السلام) در قتلگاه افتاده بود، وحشت زده و هراسان از خیمه بیرون آمد.
در حالی که دستش عمود خیمه ای گرفته بود و به راست و چپ نگاه می کرد، ناگه دشمن به سرعت خود را به محمد رسانید و با شمشیر او را قطعه قطعه کرد.
او هنگام شهادت کودکی 7 ساله بود.

18- عبدالرحمن بن عقیل (علیه السلام)

پدرش: عقیل برادر علی (علیه السلام) و مادرش: از کنیزان میباشد.
وی عموزاده امام حسین (علیه السلام) است .
امام حسین (علیه السلام) فریاد زد: ای عموزادگان من ! صبر و مقاومت پیشه سازید...
که بعد از این هرگز سختی و مصیبتی نخواهید دید.
وی در روز عاشورا در حمله دسته جمعی فرزندان ابی طالب به دشمن، شرکت کرده و در آن حمله به شهادت رسید.

19- جعفر بن عقیل (علیه السلام)

پدرش: عقیل برادر علی (علیه السلام) و مادرش: خوصاء دختر عمرو می باشد.
وی عموزاده امام حسین (علیه السلام) است .
برخی گفته اند: مادرش در واقعه کربلا حضور داشته است .
جعفر در روز عاشورا به میدان جنگ شتافت و در حالی که مادرش جلوی خیمه ایستاده بود و او را نظاره می کرد، به شهادت رسید.

20 عبدالله بن بقطر (یقطر) (علیه السلام)

چون مادرش از امام حسین (علیه السلام) در کودکی نگه داری کرده ، او را برادر رضاعی امام حسین (علیه السلام) می خوانند.
او صحابی می باشد (یعنی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را درک کرده است)
او فرستاده امام حسین (علیه السلام) است به سوی مسلم بن عقیل که در کوفه بود.
پس از دستگیری عبدالله ، او را بالای قصر دارالاماره می برند تا در برابر مردم ، حسین (علیه السلام) و پدرش را لعنت کند! ولی او بعکس ، مردم را به یاری حسین (علیه السلام) فرا می خواند.
او را از بالای قصر به پایین انداختند، هنوز رمقی داشت که سرش را از بدن جدا کردند.
عبدالله از شهدای نهضت حسینی در کوفه است .

21- انس بن الحارث الاسدی

از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله) است ، و در جنگهای بدر و حنین در خدمت پیامبر بوده است .
پیر مردی سالخورده و از شیعیان کوفه است .
از پیامبر نقل می کند که فرمود: این فرزندم (حسین) در سرزمینی از عراق (کربلا) شهید خواهد شد، هرکس در آنجا باشد باید او را یاری کند.
وی شبانه به لشکر حسین (علیه السلام) پیوست و در روز عاشورا به شهادت رسید.

22- حبیب بن مظاهر

از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله) است . فقیهی بزرگوار و از خواص یاران امام علی (علیه السلام) بود و در تمام جنگها در خدمت آن حضرت شمشیر زده است .
حبیب در شهر کوفه از مردم برای امام حسین (علیه السلام) بیعت می گرفت .
پس از شهادت مسلم بن عقیل در کوفه ، مخفیانه خود را به لشکر ابی عبدالله (علیه السلام) رساند.
فرمانده جناح چپ سپاه امام حسین (علیه السلام) در کربلا بود.
وی در روز عاشورا عده ای از دشمن را کشت و سپس او را به شهادت رسانده سر مبارکش به گردن اسبی آویختند و در میان لشکر گرداندند.
سن او بیش از 70 سال بود.

23- مسلم بن عوسجه

از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می باشد.
پیر مردی عابد و زاهد و شجاعت او در فتوحات اسلامی زبانزد بوده است .
او در کوفه مسئولیت جمع آوری اموال و خرید سلاح و گرفتن بیعت برای امام حسین (علیه السلام) را بر عهده داشت .
او پس از شهادت مسلم بن عقیل متواری شد و سپس با خانواده اش به کاروان حسین (علیه السلام) پیوست .
مسلم در روز عاشورا به دشمن حمله ور شد و سپس با ضربتی نقش بر زمین گشت ، هنوز رمقی داشت که امام حسین (علیه السلام) بر بالین او آمد و فرمود: «ای مسلم بن عوسجه! خدا تو را رحمت کند.»

24- قیس بن مسهر

مردی شریف و شجاع و از مخلصین در محبت اهل بیت (علیه السلام) است . او نامه مسلم را که حاوی خبر بیعت کوفیان بود به مکه برد و تسلیم امام حسین (علیه السلام) کرد. حضرت نامه ای که در آن خبر حرکت خویش به سوی کوفه بود را توسط او برای کوفیان فرستاد. او را در میانه راه دستگیر و به نزد ابن زیاد بردند و از او خواستند که بالای منبر رفته و حسین را دشنام دهد. او در بالای منبر گفت : ای مردم! حسین بن علی بهترین خلق خداست پس دعوت او را اجابت کنید، و بر عبیدالله و پدرش لعنت فرستاد. قیس را از بالای دارالاماره کوفه به زمین پرتاب کرده به شهادت رساندند.

25 و 26- عمرو بن خالد الاسدی وسعد

عمرو از بزرگان کوفه و شیعیان با اخلاص بود. و پس از خیانت مردم کوفه و تنها گذاشتن مسلم بن عقیل ، مخفی گشت . وی پس از به شهادت رسیدن قیس بن مسهر به همراه غلامش سعد از کوفه خارج شده و به سپاه امام حسین (علیه السلام) پیوستند. عمرو و سعد به همراه عده ای در روز عاشورا در اول جنگ به دشمن حمله کرده و به شهادت رسیدند. وقتی خبر شهادت آنها به امام حسین (علیه السلام) رسید، آن حضرت به طور مکرر برای آنان رحمت می فرستاد.

27- ابو ثمامه عمرو الصائدی

او از چهره های سرشناس شیعه در کوفه بود. از اصحاب علی (علیه السلام) و در جنگها در رکاب آن حضرت بود. از طرف مسلم بن عقیل مسئولیت جمع آوری کمکهای مالی و خرید اسلحه را داشت .

پس از خیانت مردم کوفه ، به لشکر حسین (علیه السلام) پیوست .
وی در روز عاشورا نزد حضرت آمده و گفت : «... دوست دارم در حالی با خدا ملاقات کنم که نماز ظهر امروز را که وقتش نزدیک شده خوانده باشم .»
حسین (علیه السلام) در جوابش فرمود: «نماز را به یاد آوردی ، خدا تو را از نماز گزاران قرار دهد.»
ابو ثمامه پس از خواندن نماز ظهر به امامت حضرت ، به میدان کارزار رفته و به شهادت رسید.

28- بریر بن حضیر(حضیر)

شخصی عابد و زاهد و از اساتید قرآن بود.
از اصحاب علی (علیه السلام) بود و از اشراف کوفه به شمار می رفت .
وی از کوفه به مکه رفته و به امام حسین (علیه السلام) پیوست و همراه حضرت به کربلا آمد.
در روز عاشورا با دشمن چنین سخن گفت : ... این آب فرات است و حیوانات صحرا از آن استفاده می کنند ولی پسر رسول خدا از آن محروم باشد، آیا پاداش خدمات محمد (صلی الله علیه وآله) این است ؟
روز عاشورا با دشمن به کارزار پرداخت تا به شهادت رسید.

29- عابس بن ابی شبيب

از رجال برجسته شیعه ، عابد و شب زنده دار و سخنوری توانا بود.
او از قبیله بنی شاکر است . (این قبیله از مخلصین در محبت علی (علیه السلام) بودند و آن حضرت در جنگ صفین درباره آنها فرمود: اگر تعدادشان به هزار نفر می رسید، خداوند به شایستگی عبادت می شد.)
او در روز عاشورا به حسین (علیه السلام) گفت : ای حسین ! مطمئن باش ، به خدا در روی زمین کسی نزد من محبوب تر و عزیزتر از تو وجود ندارد.
از دلیر مردان عرب بود و کسی یارای جنگ تن به تن با او را نداشت ، لذا روز عاشورا از هر طرف به سوی او سنگ پرتاب کردند و او نیز سپر و نیزه را کنار گذاشت و با شمشیر به جنگ دشمن رفت . او را محاصره کرده و به شهادت رساندند.

30- شوذب بن عبدالله

او از بزرگان شیعه و از جنگجویان انگشت شمار بود.
حافظ و حامل حدیث از علی (علیه السلام) بود و مردم شیعه برای اخذ حدیث به وی می رسیدند.
وی همراه مولایش عابس از مکه تا کربلا با سپاه حسین (علیه السلام) بود.
(از او سؤال کردند که چه خواهی کرد؟) گفت : در کنار پسر دختر رسول خدا می جنگم تا کشته شوم .
وی در روز عاشورا به میدان جنگ رفته و به شهادت رسید.

31- حنظله بن اسعد

او از شخصیت های شیعه ، شجاع ، فصیح و قاری قرآن بود.
حنظله موقع ورود امام حسین (علیه السلام) به کربلا خدمت آن حضرت رسید.
به لشکر ابن سعد گفت : ای مردم !... دست به قتل حسین (علیه السلام) زنید که مستحق عذاب الهی خواهید شد.
حنظله روی به حضرت کرد و گفت : درود بر تو ای حسین ...
خداوند شناسایی برقرار کند میان ما و شما در بهشتش . وی در روز عاشورا با شمشیر آخته به دشمن حمله کرد و پس از مبارزه ای شجاعانه به درجه شهادت رسید.

32- عبدالرحمن الارحبی

او مردی بزرگوار، شجاع و دلاور بود.
وی به همراه قیس ، نامه های مردم کوفه را در مکه به خدمت حسین (علیه السلام) رسانید.
حسین (علیه السلام) او را با مسلم بن عقیل به سوی کوفه فرستاد، ولی دوباره به خدمت آن حضرت بازگشت و تا کربلا همراه سپاه ایشان بود.
وی در روز عاشورا وقتی وضع را سخت دید اجازه میدان گرفت و جنگید تا به شهادت رسید.

33 و 34 و 35- سیف بن الحارث الهمدانی، مالک بن عبدالله الهمدانی، شبیب

سیف و مالک پسر عموی یکدیگر بوده و به همراه غلامشان شبیب به سپاه حسین (علیه السلام) پیوستند. روز عاشورا آن دو در حالی که می گریستند به خدمت حضرت رسیدند. امام (علیه السلام) فرمود: چرا گریه می کنید؟ آن دو گفتند: فدایت شویم ، برای خودمان گریه نمی کنیم ولی برای شما گریه می کنیم که در محاصره دشمن قرار گرفته اید و ما بیش از جانمان چیزی نداریم تا با آن از تو حمایت کنیم . حضرت به آنها فرمود: خداوند از بابت علاقه و همدردیتان با من به شما پاداش دهد. آن دو در حالیکه یکدیگر را حمایت می کردند به جنگ دشمن رفته و به شهادت رسیدند.

36- هانی بن عروه

او از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و رئیس قبیله مذحج بود. وی و پدرش از خواص یاران علی (علیه السلام) بشمار می رفتند و در جنگ جمل ، صفین و نهروان ملازم رکاب آن حضرت بودند. منزل هانی در کوفه مخفی گاه مسلم بن عقیل گشته بود. ماموران دستگیرش کردند و به دارالاماره بردند. ابن زیاد با عصایی که داشت چنان به صورت هانی زد که بینی او شکسته و خون از محاسنش فرو ریخت و لباسهایش خون آلود گشت . به دستور عبیدالله او را به بازار برده و در مقابل چشم مردم گردن زدند. وی از شهدای نهضت حسینی در کوفه است . سن او بیش از 80 سال بود.

37 و 38- جناده بن الحارث المذحجی، واضح

جناده از بزرگان مشهور شیعه و از یاران علی (علیه السلام) بود. او با مسلم بن عقیل در شهر کوفه بیعت کرد، ولی چون عهد شکنی مردم را دید، همراه با غلام پدرش واضح ترکی و جماعتی دیگر به سوی حسین (علیه السلام) حرکت کردند. در روز عاشورا جناده و همراهانش به محاصره دشمن در آمدند، گرچه حضرت عباس آنها را نجات داد ولی حاضر نشدند که سالم برگردند، لذا جنگیدند و یک جا به شهادت رسیدند. هنگامی که واضح هنگام جنگ با دشمن به زمین افتاد، حسین (علیه السلام) بسوی او شتافت و صورت به صورت او گذاشت . واضح در حالی که به این رفتار امام مباهات می کرد به شهادت رسید.

39 و 40- مجمع بن عبدالله، عائذ بن مجمع

پدر مجمع از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بوده و خودش از یاران علی (علیه السلام) است . مجمع و پسرش عائذ همراه با تعدادی از کوفه خارج و به امام حسین (علیه السلام) پیوستند. امام حسین (علیه السلام) از آنها درباره مردم کوفه پرسید: آنها گفتند: بزرگان کوفه رشوه های کلانی گرفته و دوستدار حکومت شده اند، اما بقیه مردم دلهایشان به شما گرایش دارد، ولی فردا شمشیرهایشان بر علیه شما خواهد بود. این پدر و پسر در روز عاشورا با هم به شهادت رسیدند.

41- نافع بن هلال

او مردی بزرگوار و شجاع و قاری قرآن و نویسنده حدیث بود. وی از یاران علی (علیه السلام) بوده و در جنگهای جمل ، صفین و نهروان حضور داشت . نافع در خطاب به حسین (علیه السلام) گفت : ... به خدا سوگند از حکم خدا باکی ندارم و ملاقات با خدا برای ما ناپسند نیست ، زیرا ما با نیت و بصیرت خودمان دوستدار تو را دوست ، و دشمنت را دشمن می داریم . او در روز عاشورا نامش را بر روی تیرهای مسمومش نوشته و به سوی دشمن پرتاب نمود. وقتی تیرهایش تمام شد، با شمشیر به دشمن حمله کرد. دشمن اطراف نافع را گرفته با پرتاب سنگ بازوان او را شکسته و اسیرش کردند و به نزد ابن سعد آوردند، سپس شمر با ضربتی او را به شهادت رساند.

42- الحجاج بن مسروق

او از یاران علی (علیه السلام) و از شیعیان کوفه است . وی از کوفه خود را به امام حسین (علیه السلام) در مکه رساند و همراه امام به کربلا آمد. مؤذن سیدالشهدا بود و در پنج وقت ، اذان می گفت . در روز عاشورا به میدان رفت و در حالی که غرقه در خون بود، برگشت . حضرت فرمود: من هم پشت سر تو به

ملاقات جد و پدرم نایل خواهم شد. سپس حجاج دوباره به میدان رفت و جنگید تا به شهادت رسید.

43- عمرو بن قرظه

پدرش قرظه از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و از یاران علی (علیه السلام) بود. عمرو قبل از شروع جنگ در کربلا، به امام حسین (علیه السلام) پیوست. در روز عاشورا به میدان رفت و جنگید، ولی به سوی حسین (علیه السلام) برگشت تا آن حضرت را از دشمن محافظت کند. او خود را سپر حضرت کرده و تیرها به صورت و سینه اش بر خورد می کرد تا آسیبی به امام حسین (علیه السلام) نرسد. در حالی که بدنش پر از جراحت شده بود، رو به حضرت کرد و گفت: یا بن رسول الله! آیا به عهد خود وفا کردم؟ حضرت فرمود: در بهشت جلوی من خواهی بود و سلام مرا به رسول خدا برسان. در همین لحظه عمرو به زمین افتاد و به شهادت رسید.

44- عبدالرحمن بن عبد ربه

او از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و از یاران با اخلاص علی (علیه السلام) بود. وی از کسانی است که به حادثه غدیر خم گواهی داد و گفت: از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) که فرمود: آگاه باشید همانا خدای عز و جل ولی من است و من ولی مومنین، پس هرکس من مولای او هستم، علی مولای اوست. علی (علیه السلام) قرآن را به او تعلیم داد و او را تربیت کرد. او همراه امام حسین از مکه به کربلا آمد. در روز عاشورا در حمله اول به شهادت رسید.

45 و 46- جناده بن کعب، عمرو بن جناده

عمرو همراه پدرش جناده و مادرش، از مکه با سپاه امام حسین (علیه السلام) بودند.

جناده و در روز عاشورا، در حمله اول به شهادت رسید.
عمرو که نوجوانی بیش نبود، در روز عاشورا پس از شهادت پدر نزد حسین (علیه السلام) آمد و گفت : به دستور مادرم آمده ام ، لذا امام (علیه السلام) اجازه رفتن به میدان جنگ را به او داد.
دشمن پس از شهادتش ، سر او را از تن جدا کرده و به سوی حسین (علیه السلام) پرتاب کرد.
مادر سر فرزند را برداشت و به سر یکی از سپاهیان ابن سعد زد و او را به هلاکت رساند.

47 و 48- سعد بن الحارث الانصاری، ابوالحتوف بن الحارث

این دو برادر (قبل از واقعه کربلا) در گروه محکمه (خوارج) بودند.
آنها همراه با عمر بن سعد برای جنگ با حسین (علیه السلام) از کوفه خارج شدند.
در روز عاشورا چون صدای استغاثه امام بلند شد که می فرمود: آیا کسی نیست که به ما کمک کند؟ این دو برادر، از سپاه ابن سعد خارج شده و به کمک حسین (علیه السلام) شتافتند و با سپاهیان کوفه جنگیدند تا به شهادت رسیدند.

49- زهیر بن القین

او از شخصیت‌های برجسته کوفه بود.
وی نخست از طرفداران عثمان بود. اما در بازگشت از زیارت خانه خدا، در میانه راه به کاروان حسین (علیه السلام) برخورد نمود و با عنایت الهی از یاران آن حضرت گشت .
وی با همسرش با کاروان حسین (علیه السلام) به کربلا آمد.
در شب عاشورا از جا برخاست و گفت : به خدا سوگند اگر هزار بار کشته شوم و زنده گردم هرگز از یاری حسین (علیه السلام) و جوانانش دست بر نخواهم داشت .
او فرمانده جناح راست سپاه حسین (علیه السلام) بود.
وی در روز عاشورا پس از اقامه نماز با امام حسین (علیه السلام)، به میدان نبرد رفته و به شهادت رسید.

50- سلمان بن مضارب

او پسر عموی زهیر بن القین بود. سلمان همراه با زهیر در سال 60 هجری به حج مشرف شده بود. در بازگشت ، در میانه راه با هدایت یافتن زهیر او نیز جزو یاران حسین (علیه السلام) گشت . در روز عاشورا سلمان همراه چند نفر دیگر بعد از ادای نماز ظهر با امام حسین (علیه السلام)، به میدان نبرد رفته و سپس به شهادت رسیدند.

51- سوید بن عمرو الخثعمی

مردی شریف و کثیرالصلوه و دلیر و صاحب تجربه در جنگها بود. او یکی از دو نفری است که تا لحظات آخر در کنار امام حسین (علیه السلام) بود. سوید در روز عاشورا قدم پیش گذاشت و جنگید تا بدنش پر از جراحت شد و از اسب نقش زمین گشت و به رو افتاد، لذا دشمن گمان کرد که او کشته شده است . او که زخمی بود، چون شنید کوفیان شادی کنان می گویند: حسین کشته شد با همان تن مجروحش از جا برخاست و با خنجر که داشت ، به جنگ پرداخت تا به شهادت رسید. چون شهادتش پس از شهادت امام (علیه السلام) بود، او را آخرین کشته میدان کربلا گفته اند.

52- ابوالشعثا الکندی

نام او یزید بن زیاد می باشد و مردی شریف ، دلیر و جسور و تیر اندازی ماهر بود. وی پیش از ملاقات حسین (علیه السلام) با حر، از کوفه به سوی آن حضرت رفت . ابوالشعثا در روز عاشورا سواره می جنگید، چون اسبش پی شد، روی زانو در محضر امام (علیه السلام) نشست و تیرهای فراوانی به طرف دشمن پرتاب کرد و جمعی از آنان را به هلاکت رساند. امام حسین (علیه السلام) برای وی چنین دعا می کرد: خدایا! خدایا تیرش را به هدف برسان و بهشت را پاداش او قرار ده . چون تیرهایش تمام شد، از جا برخاست و با شمشیر جنگید تا به شهادت رسید.

53- بشیر بن عمرو الحضرمی

او از تابعین بود (از کسانی که اصحاب رسول خدا را درک کرده اند)
دلاوری فرزندان او در جنگها معروف است .
قبل از شروع جنگ به امام حسین (علیه السلام) پیوست .
در روز عاشورا در حالی که مشغول جنگیدن بود به او گفته شد که : فرزندت در مرز ری اسیر گشته است .
امام حسین (علیه السلام) به او فرمود: خدا رحمت کند، من بیعتم را از تو برداشتم ، برو و در آزادی پسرت
کوشش کن . بشیر گفت : درندگان مرا پاره پاره کنند اگر از تو جدا شوم .
او در روز عاشورا و در حمله اول به شهادت رسید.

54 و 55- عبدالله بن عروه (عزره)، عبدالرحمن بن عروه (عزره)

این دو برادر از اشراف و دلیران کوفه بودند.
جدشان از یاران علی (علیه السلام) بوده و در جنگهای آن حضرت شرکت داشت .
عبدالله و عبدالرحمن در کربلا به خدمت امام حسین (علیه السلام) رسیدند.
آنها در روز عاشورا به نزد حضرت آمده و سلام کردند و گفتند: دوست داریم که در برابر مبارزه کرده و از حریم تو
دفاع کنیم . حضرت به آنها فرمود: آفرین باد بر شما!
این دو برادر در حالیکه نزدیک امام بودند با دشمن جنگیده تا به شهادت رسیدند.

56 و 57- عبدالله بن عمیر الکلبی، ام وهب النمریه

او مردی دلاور و از مسیحیان کوفه بود که با دیدن کثرت لشکریان کوفه برای قتل امام حسین (علیه السلام)
مسلمان شد.
وی شب هنگام همراه با همسرش ام وهب به سوی کربلا حرکت کرده و به خدمت امام حسین (علیه السلام)
رسیدند.
عبدالله در روز عاشورا به میدان جنگ شتافت در حالی که جراحاتی بر بدنش وارد شده بود، همسرش ام وهب به
میدان آمده و به او گفت : پدر و مادرم به فدایت ، در برابر فرزند رسول خدا با دشمن مبارزه کن .
پس از شهادتش ، ام وهب بر بالین او نشست و گفت : بهشت تو را گوارا باد! از خدا می خواهم که مرا همراه تو

در بهشت قرار دهد.
در این هنگام ، دشمن عمودی آهنین را بر سر ام وهب فرود آورد و در کنار شوهر شهیدش جان سپرد.

58 و 59- مسلم بن کثیر، رافع بن عبدالله

مسلم از تابعین (کسانی که یاران پیامبر را درک کرده اند می باشد).
او از یاران علی (علیه السلام) بوده و در یکی از جنگهای آن حضرت پایش آسیب دیده و معلول گردید.
او به همراه غلامش رافع از کوفه خارج شدند و نزدیک فرود آمدن امام حسین (علیه السلام) به کربلا، به آن حضرت پیوستند.
مسلم در روز عاشورا و در حمله اول به شهادت رسید، اما غلامش رافع بعد از نماز ظهر و در برابر حضرت (علیه السلام) به شهادت رسید.

60 و 61- النعمان بن عمرو الازدی، الجلاس (الحلاس) بن عمرو

این دو برادر از مردم کوفه و از اصحاب علی (علیه السلام) بودند و جلاس در کوفه جز نظامیان آن حضرت بود.
آنها با سپاه عمر بن سعد از کوفه خارج شدند. چون ابن سعد شروط و پیشنهادات امام حسین (علیه السلام) را نپذیرفت ، آن دو به لشکر حضرت پیوستند.
نعمان و جلاس در روز عاشورا و در حمله اول به شهادت رسیدند.

62 و 63 و 64- یزید بن ثبیط، عبدالله بن یزید، عبیدالله بن یزید

یزید از شیعیان بصره و در میان قومش شریف و بزرگوار بود.
او با دو تن از فرزندان عبدالله و عبیدالله و عده ای دیگر از بصره بیرون آمده و در محلی به نام (ابطح) در نزدیکی مکه به امام حسین (علیه السلام) پیوستند. یزید روز عاشورا در جنگ تن به تن به شهادت رسید ولی دو فرزندش در حمله اول که دسته جمعی بود به شهادت رسیدند.

65 و 66- عامر بن مسلم العبدي، سالم

عامر از شیعیان بصره بود. او به همراه غلامش سالم و عده ای از شیعیان بصره به سوی امام حسین (علیه السلام) حرکت کرده و خدمت آن حضرت رسیدند. عامر و سالم در روز عاشورا و در حمله اول به شهادت رسیدند.

67 و 68- مسعود بن الحجاج، عبدالرحمن بن مسعود

مسعود و پسرش از شیعیان نامی و از شجاعان مشهور بودند. هر دو با لشکر عمر بن سعد از کوفه خارج شدند ولی پیش از درگیری، به سپاه امام حسین (علیه السلام) پیوستند. مسعود و عبدالرحمن در روز عاشورا و در حمله اول به شهادت رسیدند.

69- عمار بن حسان

او از شیعیان مخلص و دلیران صاحب نام بود. پدرش حسان از یاران علی (علیه السلام) بود، که در جنگ جمل و صفین شرکت جست و در جنگ به شهادت رسید. عمار از کسانی است که از مکه همراه با حسین (علیه السلام) بود. او در روز عاشورا و در حمله اول به شهادت رسید.

70 و 71 و 72- قاسط بن زهیر، کردوس بن زهیر، مقسط بن زهیر

این سه برادر از یاران علی (علیه السلام) بوده و جز پیشتازان در جنگهای آن حضرت بودند.

پس از شهادت علی (علیه السلام) در کنار امام حسن مجتبی (علیه السلام) قرار گرفته و در کوفه اقامت گزیدند. آنها شبانه خود را در کربلا به امام حسین (علیه السلام) رساندند. سه برادر در روز عاشورا و در حمله اول به شهادت رسیدند.

73 و 74 و 75- مجمع بن زیاد الجهنی، عباد بن مهاجر، عقبه بن الصلت

این سه در منزلگاه جهینه در اطراف مدینه زندگی می کردند. زمانی که حسین (علیه السلام) از کنار این منزلگاه عبور می کرد، آنان به حضرت پیوستند. گرچه بعضی از اطراف حضرت پراکنده شدند، اما آنها در سپاه حضرت باقی ماندند. آنها در روز عاشورا به فیض شهادت رسیدند.

76- حر بن یزید الریاحی

حر در دوران جاهلیت و اسلام ، در میان قومش مورد احترام بود. هنگامی که از قصر ابن زیاد خارج می شد تا برای مقابله با امام حسین (علیه السلام) برود، صدایی شنید که می گوید: ای حر، بهشت بر تو مژده باد! برگشت ولی کسی را ندید. به خود گفت : جنگ با حسین و بهشت؟! در ابتدا با هزار جنگجو، در میانه راه جلو کاروان حسین (علیه السلام) را گرفت . وقتی متوجه شد که عمر بن سعد پیشنهاد امام حسین (علیه السلام) را نپذیرفته و قصد کشتن آن حضرت را دارد، در حالی که سپرش را وارونه بود خود را به سپاه امام رسانید. حر بر حسین (علیه السلام) سلام کرد و گفت : فدایت شوم! من! همانم که جلوی تو را گرفتم ولی پشیمانم، آیا توبه ام پذیرفته می شود؟ امام (علیه السلام) فرمود: بلی ، خدا توبه ات را می پذیرد. او در روز عاشورا با شجاعتی تمام ، جنگ سختی کرد تا به شهادت رسید و آن وعده بهشتی را که شنیده بود، تعبیر گشت .

77 و 78- الحجاج بن بذر التميمی، قعنب بن عمر النمری

آن دو از مردم بصره بودند.

حجاج حامل نامه مسعود بن عمرو (یکی از اشراف و بزرگان) را که در پاسخ به نامه امام حسین (علیه السلام) نوشته بود، تقدیم آن حضرت کرد.

حجاج و قعنب همراه حضرت بودند تا در حمله اول روز عاشورا به شهادت رسیدند. عده ای شهادت حجاج را در جنگ تن به تن در بعد از ظهر عاشورا گفته اند.

79- سعید بن عبدالله الحنفی

او از بزرگان، دلیران و زاهدان شیعه در کوفه بود.

سعید نامه های مردم کوفه را به امام حسین (علیه السلام) رساند، حضرت جواب آن نامه ها را نیز توسط او به کوفه ارسال نمود.

او از کسانی است که در مقابل مسلم بن عقیل در کوفه از جا برخاست و گفت: به خدا سوگند آماده یاری حسین و قربانی شدن در راهش شده ام.

در روز عاشورا چون حسین (علیه السلام) نماز ظهر را خواند جنگ سختی در گرفت، سعید جلوی امام ایستاد و با صورت و سینه و پهلوهایش به استقبال تیرها می رفت تا امام اصابت نکند.

هنگامیکه به زمین افتاد، گفت: یا بن رسول الله! آیا به عهد خود وفا کردم؟ حضرت فرمود: بلی، تو در بهشت جلوی من خواهی بود و سپس به شهادت رسید.

80- سوار بن منعم

او قبل از شروع جنگ، از کوفه به کاروان امام حسین (علیه السلام) پیوست.

در روز عاشورا و در حمله اول شرکت کرد، اما مجروح گردید و توسط سپاه کوفه اسیر گشت. او را نزد عمر بن سعد بردند، ابن سعد خواست او را به قتل برساند ولی خویشان او وساطت نموده او را آزاد کردند.

چون جراحات او شدید بود، شش ماه پس از واقعه کربلا به شهادت رسید.

81- عمرو بن عبدالله الجندعی

او از کسانی است که قبل از شروع جنگ ، خود را به کربلا رسانده و به امام حسین (علیه السلام) پیوست . او در روز عاشورا در رکاب آن حضرت جنگید تا نقش زمین گشت ، دشمن یک ضربت کاری بر سرش وارد آورد. قوم و قبیله اش تن مجروح او را از میدان نبرد خارج کردند. عمرو که جراحات سختی برداشته بود تا یک سال پس از واقعه کربلا در بستر بیماری بود، اما بر اثر همان جراحات به شهادت رسید.

82- الموقع بن ثمامه

او شبانه همراه با عده ای خود را به کربلا رسانده و به امام حسین (علیه السلام) پیوست . او در روز عاشورا در رکاب آن حضرت جنگید تا نقش زمین گشت ، قوم و قبیله اش او را نجات داده ، به کوفه آوردند و پنهانش نمودند. ابن زیاد از مخفیگاه او مطلع شد تا خواست او را به قتل برساند، عده ای وساطت کردند. لذا دستور داد او را به غل و زنجیر بسته به منطقه ای به نام الزاره (عمان فعلی) تبعیدش کنند. موقع در اثر جراحات وارده و بعد از یکسال جان به جان آفرین تسلیم کرد.

83 و 84 و 85- سعد بن الحارث، نصر بن ابی نضر، الحارث بن نبهان

سعد، نصر و حارث ابتدا از غلامان حضرت علی (علیه السلام) و سپس امام حسن مجتبی (علیه السلام) بودند. پس از شهادت آن دو معصوم (علیه السلام)، به خدمت امام حسین (علیه السلام) در آمدند. آنها همراه حضرت از مدینه به مکه و از آنجا به کربلا آمدند. این سه غلام در روز عاشورا در حمله اول به شهادت رسیدند.

86 و 87- منجح بن سهم، قارب بن عبدالله

منجح غلام امام حسن مجتبی (علیه السلام) بود که به همراه فرزندان آن حضرت در کربلا حضور داشت .
قارب غلام امام حسین (علیه السلام) و مادرش کنیز آن حضرت بود.
این دو غلام در روز عاشورا در حمله اول به شهادت رسیدند.

88- اسلم بن عمرو

او از خدمتگزاران امام حسین (علیه السلام) بود.
وی در روز عاشورا جنگید تا نقش بر زمین گشت .
حضرت به بالین اسلم آمد، و او را در آغوش گرفت ، و صورت به صورتش گذاشت .
اسلم لبخندی زد و گفت : کیست مثل من ، که حسین (علیه السلام) صورت به صورتش گذاشته باشد؟ آن گاه روح از بدنش پرواز کرد.

89- سلیمان بن رزین

او از خدمتگزاران امام حسین (علیه السلام) بود.
امام حسین (علیه السلام) هنگامیکه در مکه بود نامه هایی را که به روسای قبائل بصره نوشته بود، به وسیله سلیمان فرستاد. اما یکی از آن ها خیانت نموده سلیمان را به نزد عبیدالله بن زیاد (زمانی که هنوز به سوی کوفه حرکت نکرده بود) برد.
عبیدالله تا نامه حضرت به روسای قبایل را خواند، دستور داد سلیمان را گردن بزنند.
او یکی از شهدای نهضت حسینی در بصره است .

90- جون

او غلام ابوذر یار با وفای پیامبر(صلی الله علیه وآله) است .
جون همیشه ملازم اهل بیت (علیه السلام) بود، او از مدینه به مکه و تا کربلا همراه حضرت بود.

او در مقابل حسین (علیه السلام) ایستاد و گفت : ای پسر رسول خدا! من در صلح کنار شما باشم و در سختی شما را تنها بگذارم؟ بوی بدنم بد، جسمم پست و رنگم سیاه است. عنایتی بفرما تا بدنم خوشبو، جسمم شریف و رنگم سفید شود.

چون در روز عاشورا به میدان جنگ رفته و سپس به شهادت رسید.
پس از شهادتش امام حسین (علیه السلام) فرمودند: خدایا! رویش را سفید، بویش را عطرآگین و او را با نیکان محشور فرما.

91 و 92- سالم بن عمرو، جابر بن الحجاج

سالم غلام بنی المدینه و از شیعیان کوفه بود که به سپاه امام حسین (علیه السلام) پیوست .
جابر غلام عامر بن نهشل و مردی دلیر و جنگجو بود که در کربلا به محضر حضرت (علیه السلام) رسید.
این دو غلام در روز عاشورا در حمله اول به شهادت رسیدند.

93 و 94- عمار بن سلامه الهمدانی، نعیم بن العجلان الانصاری

آن دو از یاران علی (علیه السلام) بودند و در بعضی از جنگها در رکاب آن حضرت جنگیدند.
عمار از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله) است و نعیم از شجاعان و شعرای عرب به شمار می رود.
آن دو که از حرکت امام حسین (علیه السلام) به عراق با خبر شدند، به آن حضرت پیوستند و در روز عاشورا در حمله اول به شهادت رسیدند.

95 و 96- جبله بن علی الشیبانی، الحباب بن عامر التیمی

آن دو از شجاعان و شیعیان کوفه هستند.
هر دو جزو بیعت کنندگان با مسلم بن عقیل بودند. پس از شهادت مسلم آنها از کوفه بیرون آمده و به سپاه حسین (علیه السلام) پیوستند.
جبله و حباب در روز عاشورا مردانه جنگیدند تا به فیض شهادت رسیدند.

97 و 98- امیه بن سعد الطائی، جندب بن ححیر الکندی

آن دو از بزرگان شیعه و از یاران علی (علیه السلام) بودند.
امیه و جندب قبل از شروع جنگ خود را به سپاه حسین (علیه السلام) رساندند.
آن دو روز عاشورا و در آغاز جنگ به شهادت رسیدند.

99 و 100- یزید بن مغفل المذحجی، عبدالله بن بشر الخثعمی

آن دو از مردان دلیر و حامیان حق بودند.
یزید بن مغفل که از یاران علی (علیه السلام) بود، در مکه به حسین (علیه السلام) پیوست و همراه ایشان به کربلا آمد.
عبدالله که با سپاه عمر بن سعد از کوفه بیرون آمده بود در فرصت مناسب به یاران حسین (علیه السلام) پیوست .
آن دو روز عاشورا به فیض شهادت رسیدند.

101 و 102- زاهر بن عمرو، الحارث بن امر القیس

آن دو از قبیله بنی کند هستند.
زاهر که در شجاعت و محبت اهل بیت (علیه السلام) مشهور بود، در سال 60 هجری به حج رفت و سپس به سپاه امام حسین (علیه السلام) پیوست .
حارث که با سپاه عمر بن سعد از کوفه خارج شده بود، در فرصت مناسب به یاران حضرت ملحق گردید.
هر دو در روز عاشورا در حمله اول به شهادت رسیدند.

103 و 104- عمر بن ضبیعه، بکر بن حی

آن دو از قبیله بنی تیم هستند.
عمر بن ضبیعه مردی شجاع بود. او افتخار درک رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را داشته است .
آنها به همراه سپاه عمر بن سعد از کوفه خارج شدند و در موقعیت مناسب به یاران حسین (علیه السلام) پیوستند.
عمرو و بکر در روز عاشورا در حمله اول به شهادت رسیدند.

105 و 106- عبد الا علی بن یزید الکلبی، عماره بن صلخب الازدی

آن دو از جنگجویان دلیر و از شیعیان کوفه هستند.
آنها با مسلم بن عقیل بیعت کردند و پس از شهادت مسلم و هانی در کوفه دستگیر شدند.
ابن زیاد دستور داد عبد الا علی و عماره را به میان قبیله شان برده و گردن بزنند.
آن دو از شهادی نهضت حسینی در کوفه هستند.

107 و 108- زهیر بن سلیم، قاسم بن حبیب

آن دو از قبیله بنی ازد و از شیعیان کوفه بودند.
زهیر و قاسم با سپاه عمر بن سعد از کوفه بیرون آمده و در موقعیت مناسب به یاران حسین (علیه السلام) پیوستند.
آن دو در حمله اول روز عاشورا به شهادت رسیدند.

109 و 110- ضرغامه بن مالک، کنانه بن عتیق

آن دو از قبیله بنی تغلب و از شیعیان کوفه بودند.
ضرغامه با مسلم بن عقیل بیعت کرد. او پس از شهادت مسلم ، با سپاه عمر بن سعد از شهر خارج شده و در فرصت مناسب خود را به یاران حسین (علیه السلام) رسانید. وی پس از نماز ظهر روز عاشورا در جنگ تن به تن

به شهادت رسید.
کنانه از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و از زاهدان و قاریان قرآن بود.
او در روز عاشورا در حمله اول به شهادت رسید.

111 و 112- سیف بن مالک، ادهم بن امیه

آن دو از قبیله بنی عبد قیس و از شیعیان بصره بودند.
سیف و ادهم همراه با عده ای دیگر از بصره خارج شده و در محلی به نام ابطح در نزدیکی مکه به امام حسین (علیه السلام) پیوستند.
ادهم در حمله اول روز عاشورا و سیف بعد از نماز ظهر در جنگ تن به تن به شهادت رسیدند.

113- جوین بن مالک التیمی

او شیعه علوی بود.
چون به قبیله بنی تیم وارد شده بود لذا همراه آنها به سوی امام حسین (علیه السلام) رفت تا با او بجنگد.
وقتی پیشنهادات حسین (علیه السلام) از جانب عمر بن سعد در شد، جوین به همراه عده ای شبانه به یاران حضرت پیوستند.
او در روز عاشورا و در حمله اول به شهادت رسید.

114 و 115- زیاد ابو عمره، حبشی بن قیس

آن دو از قبیله بنی همدان هستند.
زیاد محضر پیامبر (صلی الله علیه وآله) را درک کرده است . او مردی شب زنده دار و پرهیز کار بود.
سلمه جد حبشی از اصحاب رسول خدا بوده است .